

بررسی و تبیین جایگاه اعتماد در اجتماعات محلی (مطالعه موردی محله دولاب شهر تهران)

دکتر هاشم داداش پور*

بهرام علیزاده**

فرامرز رستمی***

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۶

چکیده

از دیدگاه جامعه شناسان شهری و شهرسازان انسانگرا، اعتماد ستون فقرات اجتماعات محلی بوده و منجر به افزایش کارآیی و ارتقاء کیفیت زندگی در آنها می‌شود. از این رو هدف اصلی این تحقیق، بررسی ارتباط بین میزان

* استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

h-dadashpoor@modares.ac.ir

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس. www.SID.ir

*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

کارآیی اجتماع محوری محله دولاب با میزان اعتماد در بین ساکنین این محله می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و در آن جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش پیمایش و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محله دولاب، یک محله اجتماع محور است ولی به دلیل بالا نبودن میزان اعتماد ساکنین محله به نهادهای محلی فعال در زمینه شهرسازی، در حال حاضر نمی‌تواند از مزیت‌های اجتماع محوری خود استفاده کند و این محوریت اجتماعی نیز به دلیل فقدان اعتماد در محله روز به روز در حال کاهش است. بنابراین توصیه می‌شود که قبل از هر اقدام شهرسازی در محله دولاب، زمینه‌های لازم جهت ارتقای اعتماد ساکنین نسبت به نهادهای مرتبط شهری و محلی ایجاد شده و از هر گونه اقدامی که منجر به کاهش میزان اعتماد ساکنین می‌شود پرهیز شود. این تحقیق معتقد است که نظام شهرسازی در ایران بایستی به سمت رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع محور با محوریت اعتمادسازی سوق داده شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی اجتماع محور، اجتماعات محلی، اعتماد،

محله دولاب.

مقدمه

بررسی ادبیات موجود در مورد مفهوم محله در شهرها نشان از تغییر مفهوم آن از ابزار کالبدی و فضایی به مفهوم اجتماعی و انسانی دارد؛ بطوری که در دیدگاه‌های اولیه محله به عنوان یک ابزار و یک زیر سیستم پیچیده شهر قلمداد می‌شد که در آن جمعیت مشخص در یک محدوده مشخص زندگی می‌کرد. در حالی که در ادبیات شهرسازی امروزی، محله به عنوان یک ساخت اجتماعی و یک پدیده فرهنگی بحساب می‌آید که دارای مرز و هویت مشخص بوده و وجود اعتماد در بین ساکنین به عنوان یکی از سرمایه‌های اجتماعی مهم در آن قلمداد می‌شود (رفیع پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۲ و ۳). به دنبال این تغییر مفهوم در محلات شهری، مفهوم اجتماعات محلی وارد ادبیات

شهرسازی شد. در این راستا بسیاری از برنامه‌ریزان و معماران تلاش کردند تا چارچوبی برای این مفهوم در برنامه‌ریزی شهری تدوین کنند که از مهمترین این تلاش‌ها می‌توان به نظریه‌های "واحد‌های همسایگی"، "شهرگرایی نوین" و "روستا-شهر" اشاره کرد. با این حال در حال حاضر، مفهوم اجتماعات محلی و چگونگی ارتقای آن، به عنوان یکی از چالش‌های اساسی علم شهرسازی محسوب می‌شود (Jabareen, 2010: 1). امروزه هیچ نظریه جهان شمول برای ایجاد و ارتقاء اجتماعات محلی در بین برنامه‌ریزان شهری و معماران وجود ندارد و هنوز این سوال مطرح است که "چگونه می‌توان محلات امروز را به اجتماعات محلی تبدیل کرد؟" (Ganapati, 2008: 382). بررسی ادبیات جهانی نشان می‌دهد که لازمه ایجاد اجتماعات محلی، اعتماد سازی در بین ساکنین محلات شهری است. بر این اساس بسیاری از محققان از جمله گیدنز^۱، تالن^۲، هاروی^۳ و غیره بر این باور هستند که قبل از ایجاد اجتماعات محلی در شهرها، بایستی فرآیند اعتماد سازی در ابعاد شخصی، بین شخصی و نهادی در محلات شهری انجام گیرد (Jabareen, 2010: 2).

به دنبال این نتایج، هدف اصلی تحقیق حاضر رسیدن به مدل مفهومی برنامه‌ریزی اجتماع محور با تأکید بر ایجاد اعتماد در بین ساکنین محلات شهری می‌باشد. موضوع مهمی که این تحقیق را از سایر تحقیقات موجود در این زمینه متفاوت می‌کند، تأکید آن در بررسی ارتباط بین کارایی اجتماعات محلی با متغیر میزان اعتماد در بین ساکنین محله می‌باشد. برای رسیدن به این امر مهم در محلات شهری ایران، محله دولاب واقع در ناحیه ۴ منطقه ۱۴ شهر تهران به عنوان نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده است. دلیل اصلی انتخاب محله دولاب به عنوان نمونه موردی، قدمت زیاد و وجود همبستگی‌های قومی و یکنواختی نژادی و زبانی در آن بوده است.

1. A.Giddense
2. Talen
3. Harvey

پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون مرتبط با توسعه محله‌ای در طول صد سال اخیر به نحو کاملی حکایت از تفوق جنبه اجتماعی محله، بر دیگر جنبه‌های آن دارد، بطوری که در نیمه دوم قرن بیستم اندیشمندان بسیاری در مورد عوامل اجتماعی و فرهنگی اجتماعات محلی سخن به میان آورده‌اند که از مهم‌ترین این نویسندگان می‌توان به تالن (Talen, 2000)، گیدنز (A. Giddens, 1988)، بارتن (Barton, 2003)؛ گانس (Gans, 1968, 1991)؛ کارمن (Carmon, 1976, 2001)؛ پاتریکیوس (Patricios, 2002) و هاروی (Harvey, 2000) اشاره کرد. تالن بر این باور است که بحران اصلی محلات امروزی رواج دیدگاه فضایی و کالبدی در بین اجتماعات شهری است (Talen, 2000:181). به نظر آنتونی گیدنز، موضوع اجتماعات محلی تنها شعاری انتزاعی در جامعه مدنی و تلاش برای احیای همبستگی محلی نیست، بلکه وسیله‌ای برای پیشبرد نوسازی اجتماعی و کالبدی محله‌ها است. در واقع از دیدگاه گیدنز احیای جامعه مدنی و ارتقاء مشارکت، بدون احیای اجتماعات محلی، حفاظت از حوزه عمومی محلی و تامین مشارکت محلی امکان پذیر نمی‌باشد (Catanesi, 1988: 89-90). از دیدگاه جورج هیلری همه اجتماعات محلی دارای سه اصل مشترک، گستره اجتماعی، پیوندهای مشترک و تعامل اجتماعی می‌باشند (ایراندوست، ۱۰۸: ۱۳۸۴). از دیدگاه پرل‌هاروی "چالش اصلی برنامه‌ریزی شهری ایجاد اجتماعات محلی در شهرها است" (Perloff, 1961:27). در نیمه دوم قرن بیستم، برنامه‌ریزی فرآیندگرا و گام به گام جایگزین برنامه‌ریزی از بالا به پایین شد (امین ناصری، ۱۳۸۶: ۱۱۹ و ۱۲۰). محصول این تفکرات رواج برنامه‌ریزی محله مبنای شهرسازی است. برنامه‌ریزی محله - مبنای مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی، به ابعاد مشخص فضا - زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳ و ۲۴).

یکی از جهت‌گیری‌های اصلی برنامه‌ریزی محله - مبنای شهرسازی، توجه به موضوع سرمایه‌های اجتماعی در محلات می‌باشد. بحث سرمایه اجتماعی برای اولین

بار در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های لیدا جی هانیفان^۱ نمایان شد که ایشان بر این باور بودند که سرمایه اجتماعی، سرمایه نامحسوسی است که در زندگی روزمره انسانها دارای اهمیت بسیاری می‌باشد (رفیع‌پور، ۱۳۸۹: ۲۱۱). بعد از وی گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی همانند سیلی^۲، سیم^۳ و لوزلی^۴ در دهه ۱۹۶۰ به توسعه این مفهوم پرداختند و در دهه ۷۰ خانم جین جاکوبز^۵ در کتاب مشهور خود به نام "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی" (۱۹۶۱)، سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری مهم برای ایجاد همبستگی در مادرشهرهای مدرن معرفی کرد. در کل می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی موضوعی جدید در علم شهرسازی و جامعه‌شناسی است که به مفاهیم ارزشمندی همچون شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل، اعتماد عمومی و تعهد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری لازم برای رسیدن به سود متقابل و مشترک در جامعه را آسان می‌کند (Putnam, 1992: 167). امروزه توافق بر این است که اعتماد یک مولفه ضروری در همه روابط مستمر اجتماعی و همچنین یک عنصر مهم و کلیدی در مفهوم سرمایه‌های اجتماعی است (Seligman, 1997: 13; Coleman, 1988; Putnam, 1995: 100). جامعه‌شناسان دریافته‌اند که بدون اعتماد زندگی روزمره‌ای که ما برای خود فراهم می‌کنیم به سادگی امکان پذیر نیست.

اعتماد به وجود اعتقادات مشترک در میان جمعی از مردم گفته می‌شود (Ross, Mirowsky, 2001: 568) و آن ستون فقرات جوامع بشری می‌باشد (Dunn, 1984: 280). فواید بسیاری از سوی جامعه‌شناسان برای وجود اعتماد در جوامع محلی عنوان شده است که اهم آنها عبارتند از:

- پایداری اجتماعات محلی (Cook & Wall, 1980: 39)؛

1. Lida J.Hani fan

2. Jan Seely

3. Sim

4. Loosely

5. Jone Jacobs

- کاهش کشمکش‌های بین مردمی (Fukuyama, 1995: 50; Schmit & Posner,)
65: 1982)؛

- ارتقاء کیفیت زندگی (Schiner & thomas, 1993: 12)؛

- پایداری ارتباطات بین مردم و سازمان‌های محلی و دولتی (Alter & Jerald,)
50: 1995; Fukuyama, 1995: 67)؛

- افزایش تمایل افراد به همکاری با گروه‌های موجود در اجتماعات محلی و ایجاد شبکه‌هایی از روابط داوطلبانه بین گروه‌ها در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۶)؛

- افزایش کنترل و محافظت در اجتماعات محلی (Barber, 1983: 4)؛

- توسعه کارایی اجتماعات محلی (Cebulla, 2000: 110; Dhesi, 2000: 200)؛

- افزایش گرایش مردم به برنامه‌ریزی جمعی (Kumar & Paddison,)
113: 2000).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که فقدان اعتماد منجر به از هم پاشیدگی اجتماعات محلی و افزایش بی‌نظمی در آنها می‌شود (Sampson & Groves, 1989: 774).

مطابق مبانی نظری ارائه شده در بالا می‌توان گفت که " اجتماعات محلی، مکان فضاهای اجتماعی هستند که در بین تمام ساکنین آن، اعتقادات و نگرش‌های مشترک وجود دارد و تمام ساکنین آن درک مشترکی از مرزهای جغرافیایی محدوده زندگی خود دارند. همچنین در این اجتماعات زندگی جمعی در بین ساکنین در جریان است." موضوع دارای اهمیت این می‌باشد که تمام این شاخص‌ها زمانی در اجتماعات محلی می‌توانند بوجود آیند که در بین ساکنین این محلات اعتماد وجود داشته باشد یا به عبارت بهتر، وجود اعتماد در بین ساکنین، کلید اصلی ایجاد اجتماعات محلی می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت که وجود شاخص‌های زیر برای تشکیل اجتماعات محلی در شهرها الزامی است:

۱- اعتقادات مشترک در بین ساکنین محله
این شاخص اعتقادات و باورهای مشترک در بین ساکنین محله از جمله اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم محلی و اعتقادات راجع به جنبه‌های حیاتی زندگی (همانند روش‌های سنتی و غیر سنتی زندگی و نوع پوشش زنان) را شامل می‌شود.

۲- درک مشترک از مخاطرات احتمالی برای محله
این شاخص شامل مخاطرات طبیعی از جمله زلزله، سیل و مخاطرات غیرطبیعی (انسان ساخت) که جان و مال ساکنین را تهدید می‌کند، می‌شود.

۳- تمایل به زندگی جمعی در بین ساکنین محله
این شاخص شامل فعالیت‌ها و رفتارهای روزانه مانند فعالیت‌های مطلوب مشترک یا کمک‌های متقابل بین اعضای محله و محیط خانواده (عضوهای خانواده، همسایه و دوستان) می‌باشد.

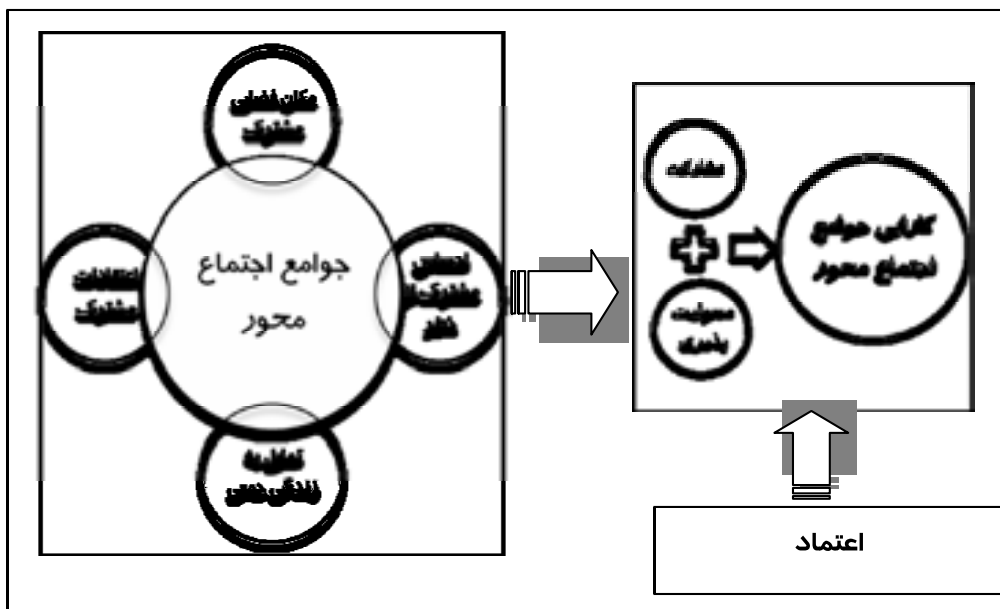
۴- درک فضایی مشترک از مرزهای محله
رویکردهای سنتی بر این باور هستند که اجتماعات محلی یک مفهوم کاملاً فضایی هستند. این درحالی است که رویکردهای جدید اجتماعات محلی بیشتر از آنکه وابسته به موقعیت جغرافیایی باشند، وابسته به شبکه‌های اجتماعی محور می‌باشند (Wellman, 1999: 15). با این حال، نگاه این مقاله به این شاخص از دیدگاه سنتی بوده و آن را وجود ارتباطات فضایی در بین محله‌ها تعریف می‌کند.

طراحی مدل مفهومی تحقیق

در این تحقیق برای دستیابی به یک مدل مفهومی از ۴ فرآیند زیر استفاده شد. ابتدا با چهار متغیر (اعتقادات مشترک در بین ساکنین محله، درک مشترک از مخاطرات احتمالی برای محله، تمایل به زندگی جمعی در بین ساکنین محله و داشتن درک فضایی مشترک از مرزهای محله) میزان اجتماع محوری محله دولاب بررسی شد. در مرحله دوم به منظور سنجش میزان کارایی اجتماع محوری محله با استفاده از دو متغیر

میزان مشارکت اهالی در طرح‌های شهری بخصوص در طرح نوسازی محله و احساس مسولیت اهالی محله در زمینه حل مسائل و مشکلات محله) بدست آمد. در مرحله سوم، میزان اعتماد اهالی محله در سه سطح نهادی، تعمیم یافته و بین شخصی توسط گویه‌هایی (که در بخش شاخص‌های تحقیق خواهد آمد) سنجیده شده و در نهایت با استفاده از تکنیک‌های آماری ارتباط بین میزان اعتماد اهالی محله با میزان کارایی اجتماع محوری در محله مورد آزمون قرار گرفت.

نمودار ۱- مدل مفهومی تحقیق



منبع: نگارندگان

محدوده مورد مطالعه

محله دولاب، یکی از محلات ناحیه ۴ منطقه ۱۴ شهر تهران است که از غرب با خیابان‌های ارجمندی و اسفندیاری، از شرق با بزرگراه امام علی (ع)، از شمال با بزرگراه

محلّاتی و از جنوب به خیابان خاوران محدود شده است (نگاه کنید به تصویر شماره ۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ محله دولا ب دارای ۲۴۳۸۴ نفر جمعیت و حدود ۶۰۹۶ خانوار می‌باشد (سازمان آمار ایران، ۱۳۸۵). این محله دارای قدمت ۱۲۰۰ ساله بوده و در گذشته یکی از قریه‌های شهر ری بحساب می‌آمده است. مساحت این محله حدود ۶۵ هکتار است و بیشتر ساکنین آن مسلمان و شیعه مذهب می‌باشند. بیشتر شاغلین این محله در بخش خدمات فعالیت می‌کنند (۶۴/۱) درصد در بخش خدمات و حدود ۳۴/۲ درصد در بخش صنعت و ۰/۱ درصد در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت هستند) و شغل غالب آنها کارگر ساختمانی می‌باشد. کاربری غالب این محله مسکونی بوده که حدود ۷۵ درصد از زمین‌های این محله را به خود اختصاص داده است (سند راهبردی محلات شهر تهران، ۱۳۸۹). این محله به علت داشتن قدمت زیاد و همبستگی‌های قومی و یکسانی نژادی و زبانی به عنوان محدوده مورد مطالعه این تحقیق انتخاب شده است.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی محله دولا ب

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱- محله دولاب به عنوان یک محله اجتماع محور به حساب می‌آید.
فرضیه ۲- عدم وجود اعتماد میان ساکنان از کارایی جامعه محلی دولاب تا حد زیادی کاسته است.

روش انجام تحقیق

از آنجایی که این تحقیق از نوع بنیادی و کاربردی است، از برداشت میدانی (روش پیمایشی) برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. مطابق این روش، پرسشنامه‌هایی تهیه و بر اساس روش کوکران ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند، و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی به تکمیل پرسشنامه‌ها در محله دولاب اقدام گردید. در نهایت به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش آماری توصیفی-تحلیلی و استنباطی استفاده گردید. بر اساس این روش، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت جدول‌های توزیع فراوانی، پارامترهای آماری و نمودارها، مورد تحلیل قرار گرفت. سپس روابط بین متغیرها با استفاده از تکنیک‌های ضریب همبستگی پیرسون^۱ در بسته نرم‌افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

شاخص‌های تحقیق

لازمه تحقیق برای موضوع خاص، تعیین اجزاء و عناصر تشکیل دهنده موضوع و تعیین جایگاه و اهمیت سلسله مراتبی هر یک از عناصر در فرآیند تحقیق است. این

۱- تحلیل همبستگی پیرسون ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی شدت و نوع رابطه (معکوس یا مستقیم) را نشان می‌دهد. این ضریب بین ۱ تا ۱- است و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر می‌باشد. در آزمون همبستگی پیرسون محقق نمی‌داند که کدام متغیر روی

مهم از طریق تعریف مفاهیم، ابعاد، مولفه‌ها و متغیرها امکان‌پذیر می‌شود و از این راه امکان بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق و سنجش آنها و نهایتاً دستیابی به اهداف تحقیق به روش علمی و عملی به وجود می‌آید (داداش پور و علیزاده، ۱۳۸۹: ۳۳). بر این اساس، برای دستیابی به هدف تحقیق لازم است که ابتدا ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های اجتماعات محلی، کارایی اجتماع محوری محله و میزان اعتماد بین ساکنین محله شناسایی گردد. برای دستیابی به مولفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر، منطقی‌ترین راه، استفاده از تجارب و نوشته‌های جهانی و داخلی است. مطابق بررسی‌های انجام شده توسط محققین، از ۴ شاخص برای سنجش متغیر اجتماعات محلی، از دو شاخص برای سنجش میزان کارایی اجتماعی محوری محله و از سه شاخص برای سنجش میزان اعتماد در محله دولا ب استفاده شده که این شاخص‌ها بطور خلاصه در جدول ۱ آمده‌اند.

جدول ۱- متغیرها و شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها	متغیرها
اعتقادات مشترک در بین ساکنین محله	اجتماعات محلی
درک مشترک از مخاطرات احتمالی محله	
تمایل به زندگی جمعی در بین ساکنین محله	
درک فضایی مشترک از مرزهای محله	
میزان مشارکت در نوسازی محله	کارایی محله اجتماع محور
میزان مسئولیت‌پذیری در حل مشکلات و مسائل محله	
اعتماد نهادی	میزان اعتماد در محله
اعتماد بین شخصی	
اعتماد تعمیم یافته	

یافته‌های توصیفی تحقیق

الف) بررسی میزان اجتماع محوری محله دولاب

برای سنجش اینکه آیا محله دولاب اجتماع محور است یا نه از چهار شاخص استفاده شد (نگاه کنید به بخش شاخص‌های تحقیق). شاخص‌های مورد نظر توسط گویه‌هایی در یک طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از کاملا موافقم تا اصلا موافق نیستم) سنجیده شدند؛ و برای کمی سازی^۱ گویه‌های تحقیق از روش مقیاس سازی استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان این شاخص در محله مورد مطالعه برابر ۳/۶ می‌باشد که نشان از بالا بودن آن از میانه نظری تحقیق می‌باشد. به عبارت بهتر نتایج نشان داد که محله دولاب در حال حاضر از پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک جامعه محلی برخوردار می‌باشد. همچنان که در بخش شاخص‌های تحقیق اشاره شد این متغیر توسط ۴ شاخص مورد سنجش قرار گرفت که در ادامه نتایج هر کدام از شاخص‌ها به تفصیل آمده است.

الف-۱- میزان اعتقادات مشترک در بین ساکنین محله دولاب

برای سنجش میزان اعتقادات مشترک میان ساکنین محله دولاب از چهار گویه استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان این شاخص در بین پرسشگران برابر ۳/۵ می‌باشد که از میانه نظری تحقیق^۲ بیشتر می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که بیش از نیمی از ساکنین محله دولاب (حدود ۵۸٪) در زمینه اعتقادات پایه‌ای، مشترک هستند.

۱- با دادن کدهای ۱ تا ۵ میزان نمره هر شاخص برای هر پرسش شونده بدست آمد. سپس میانگین نمرات خانوارها به

عنوان نمره آن شاخص مورد توجه قرار گرفت.

۲- میانه نظری تحقیق با توجه به ۵ گزینه‌ای بودن طیف لیکرت، عدد ۳ می‌باشد.

الف-۲- تمایل به زندگی جمعی در بین ساکنین محله دولاب

برای سنجش این متغیر از پنج گویه استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان تمایل به زندگی جمعی و مشترک در میان ساکنین محله دولاب برابر $3/7$ می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که 61% ساکنین محله دولاب تمایل به زندگی جمعی دارند.

الف-۳- درک مشترک از مخاطرات احتمالی محله در بین ساکنین محله دولاب

برای سنجش این متغیر از چهار گویه استفاده شد. میانگین این شاخص در بین پرسشگران برابر $3/6$ گزارش شد. این نشان می‌دهد که حدود 60 درصد پرسش شونده‌ها از موضوعات مشترکی هراس دارند.

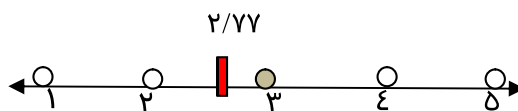
الف-۴- درک فضایی مشترک از مرزهای محله دولاب در بین ساکنین

برای سنجش این متغیر از یک گویه^۱ استفاده شد. نتایج نشان داد که حدود 60 درصد پرسش شونده‌ها با این سوال موافق هستند.

ب) بررسی میزان کارایی اجتماع محوری محله دولاب

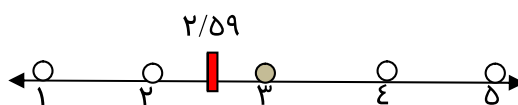
برای سنجش این شاخص از دو میزان مشارکت ساکنین در طرح‌های نوسازی و احساس مسئولیت ساکنین در برابر مسایل محله استفاده شد. هر کدام از شاخصها نیز توسط دو گویه جداگانه به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند. نتایج نشان داد که میزان مشارکت خانوارها در نوسازی محله و حس مسئولیت آنها در برابر مشکلات محله به ترتیب برابر $2/67$ و $2/91$ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان کارایی اجتماع محوری محله دولاب، متوسط و رو به پایین است

(میزان این شاخص در محله برابر ۲/۷۷ می‌باشد که از میانه نظری تحقیق کمتر می‌باشد).



ج) بررسی میزان اعتماد در بین ساکنین محله دولاب

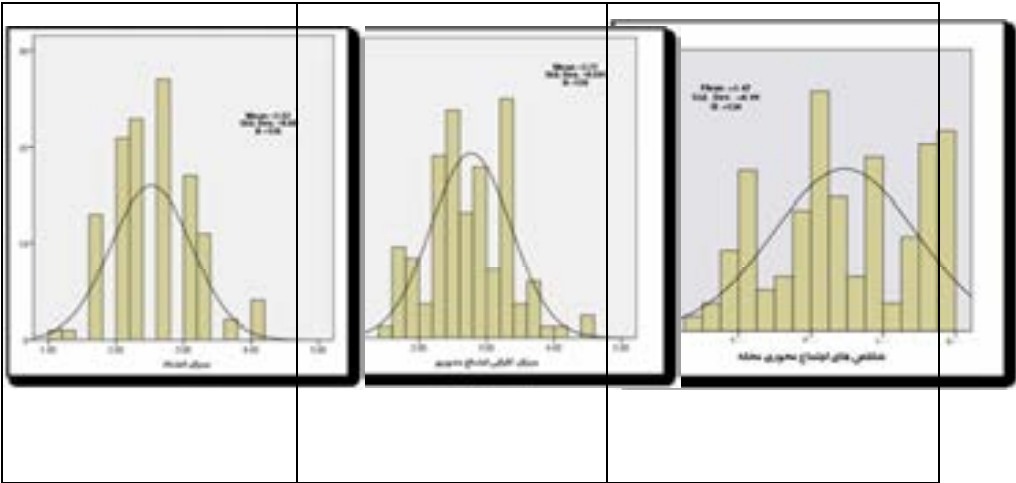
برای سنجش این متغیر از سه گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت که هر کدام به صورت جداگانه میزان اعتماد نهادی، اعتماد شخصی و اعتماد تعمیم یافته را می‌سنجیدند، استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان اعتماد در محله دولاب پایین تر از میزان میانه نظری تحقیق بوده و برابر ۲/۵۹ می‌باشد. این نشان می‌دهد که میزان اعتماد ساکنین محله نسبت به همسایگان، فامیل و نهادهای دولتی و محلی بسیار پایین می‌باشد.



جدول ۲- نتایج حاصل از تحلیل‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها	میانگین	میانه	مد	انحراف از معیار
میزان شاخص اجتماع محوری محله	۳/۴۷	۳/۳۰	۳/۲۰	۰/۹۸
میزان کارایی محله	۲/۷۷	۲/۸۰	۲/۶۰	۰/۵۹
میزان اعتماد	۲/۵۳	۲/۶۷	۲/۶۷	۰/۶۰

نمودار ۲- هیستوگرام شاخص اجتماع محوری محله دولاب
 نمودار ۳- هیستوگرام شاخص میزان کارایی محله اجتماع محور دولاب
 نمودار ۴- هیستوگرام شاخص میزان اعتماد در محله دولاب



منبع: نگارندگان

یافته‌های استنباطی تحقیق

به منظور بررسی روابط بین شاخص‌های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد (رجوع شود به جدول ۲). نتایج نشان داد که بین شاخص میزان مشارکت ساکنین محله دولاب در طرح نوسازی و شاخص‌های اعتقادات مشترک، تمایل به زندگی جمعی و درک مشترک از عوامل مخاطره‌انگیز برای محله، در بین ساکنین محله هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد (سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ گزارش شد). همچنین نتایج نشان داد که بین شاخص احساس مسئولیت ساکنین محله در قبال مشکلات محله و شاخص‌های اعتقادات مشترک، تمایل به زندگی جمعی و درک مشترک از عوامل مخاطره‌انگیز برای محله در بین ساکنین محله، هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد (سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ گزارش شد).

جدول ۳- سنجش ارتباط بین شاخص‌های محلات اجتماع محور و میزان کارایی آنها

متغیر	داشتن اعتقادات مشترک	تمایل به زندگی جمعی	درک مشترک از خطر احتمالی برای محله	درک مشترک فضایی از مرزهای محله
مشارکت در طرح نوسازی	$r = 0,061$ Sig = 0,509	$r = 0,047$ Sig = 0,611	$r = 0,037$ Sig = 0,691	به علت غیر منطقی بودن ارتباطات بین
حس مسئولیت در مورد محله	$r = 0,090$ Sig = 0,326	$r = 0,074$ Sig = 0,421	$r = 0,071$ Sig = 0,442	شاخص‌ها از سنجش ارتباطات بین آنها پرهیز شد.

در یک نتیجه‌گیری کلی از سنجش روابط بین شاخص‌های تحقیق می‌توان گفت که محله دولاب اجتماع محور است ولی کارایی محلات اجتماع محور را ندارد و در واقع فقط صفت اجتماع محوری را با خود حمل می‌کند.

این تحقیق مدعی است که عامل تاثیرگذار در ناکارآمدی اجتماع محوری محله دولاب، فقدان اعتماد در بین ساکنین این محله می‌باشد. بدین منظور در ادامه به بررسی ارتباط بین میزان کارایی شاخص اجتماع محوری محله دولاب و میزان اعتماد در این محله پرداخته می‌شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که ارتباطی قوی بین شاخص‌های میزان مشارکت ساکنین در نوسازی محله و احساس مسئولیت اهالی با شاخص میزان اعتماد در محله وجود دارد. همانگونه که در جدول ۳ آمده است این ارتباطات به صورت مثبت می‌باشد و این بدان معنی است که با بالا رفتن میزان اعتماد در بین ساکنین محله، به میزان ۳۰ درصد به مشارکت اهالی محله دولاب در نوسازی محله و همچنین به میزان ۵۵ درصد به احساس مسئولیت آنها در قبال رفع مشکلات محله افزوده می‌شود.

جدول ۴- ارتباط بین شاخص‌های میزان مشارکت ساکنین در نوسازی محله و احساس

مسئولیت اهالی با شاخص میزان اعتماد در محله

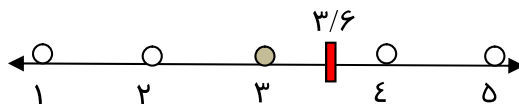
متغیر	مشارکت در طرح نوسازی	حس مسئولیت در مورد محله
میزان اعتماد در بین ساکنین	$r = 0,310^{**}$	$r = 0,555^{**}$
	$Sig = 0,001$	$Sig = 0,000$

Notes: **. $P < 0/01$

بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱: محله دولاب به عنوان یک محله اجتماع محور می‌باشد.

چنانچه در بخش بررسی شاخص‌های تحقیق اشاره شد؛ برای سنجش میزان اجتماع محوری محله دولاب از چهار شاخص " اعتقادات مشترک در بین ساکنین، تمایل به زندگی جمعی در بین ساکنین، درک مشترک از عوامل مخاطره انگیز برای محله در بین ساکنین محله و درک فضایی مشترک از مرزهای محله دولاب " استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان این شاخص در محله دولاب برابر ۳/۶ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که محله دولاب، یک محله اجتماع محور است. براین اساس فرضیه یک تحقیق که مدعی بود محله دولاب، یک محله اجتماع محور است، اثبات می‌شود.



فرضیه ۲: عدم وجود اعتماد میان ساکنان محله دولاب از کارایی جامعه محلی

دولاب تا حد زیادی کاسته است.

برای آزمون این فرضیه از تکنیک آماری رگرسیون پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو شاخص، همبستگی معنادار مثبتی وجود دارد ($\text{Sig} < 0.05$). مقدار این همبستگی برابر 0.537 با ضریب اطمینان ۹۹ درصد گزارش شد (رجوع کنید به جدول ۵). این بدان معنی است که با افزایش میزان اعتماد در بین ساکنین محله دولاب حدود ۵۴ درصد به میزان کارایی اجتماع محوری محله (میزان مشارکت ساکنین در نوسازی محله و میزان احساس مسئولیت ساکنین در قبال رفع مشکلات محله) افزوده می‌شود. براین اساس می‌توان گفت که فرضیه دوم تحقیق که مدعی بود بین عدم وجود اعتماد در بین ساکنین نسبت به نهادهای دولتی و محلی، همسایگان و فامیل‌ها و متغیر کارایی اجتماع محوری محله دولاب ارتباط معنادار مثبت وجود دارد، اثبات می‌شود.

جدول ۵- بررسی میزان همبستگی بین شاخص‌های اعتماد و کارایی محله دولاب

میزان کارایی محله اجتماع محور دولاب	متغیر
$r = 0.537^{**}$	میزان اعتماد ساکنین به نهادهای دولتی و محلی، همسایگان و فامیل‌ها
$\text{Sig} = 0.000$	

** $. P < 0.01$

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این تحقیق برای بررسی این سؤال که آیا محله دولاب یک محله اجتماع محور است یا نه؟ از چهار متغیر (اعتقادات مشترک، تمایل ساکنین محله به زندگی جمعی مشترک، درک مشترک از مخاطرات احتمالی محله و درک فضایی مشترک از مرزهای محله) استفاده شد. به منظور سنجش این متغیرها پرسشنامه‌ای در قالب گویه‌هایی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. نتایج نشان داد که " محله دولاب از قابلیت

بالایی برای تبدیل شدن به یک جامعه محلی اجتماع محور برخوردار می‌باشد". همچنین در این تحقیق به منظور سنجش میزان کارایی اجتماع محله دولاب از دو متغیر میزان مشارکت ساکنین در نوسازی محله و احساس مسئولیت ساکنین در قبال حل مسائل و مشکلات محله استفاده شد. نتایج نشان داد که:

۱- بین میزان مشارکت ساکنین محله دولاب در طرح نوسازی با اعتقادات مشترک، تمایل به زندگی جمعی و درک مشترک از عوامل مخاطره‌انگیز، رابطه معناداری وجود ندارد (سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ گزارش شد)؛

۲- محله دولاب، یک محله اجتماع محور است (میزان آن ۳/۶ از ۵ بدست آمد)؛
۳- محله دولاب در حال حاضر قادر به استفاده از مزیت‌های اجتماع محوری خود نمی‌باشد (میزان آن ۲/۷۷ از ۵ بدست آمد)؛

۴- در حال حاضر میزان اعتماد (نهادی، شخصی و تعمیم یافته) در محله دولاب پایین می‌باشد (میزان آن ۲/۵۹ از ۵ بدست آمد)؛

۵- در نهایت بررسی فرضیه‌های تحقیق نشان داد که نبود اعتماد در بین ساکنین محله نسبت به نهادهای عمومی (مانند شهرداری) و نهادهای محلی (از جمله شورایاری، سرای محله و غیره) دلیل اصلی پایین بودن کارایی اجتماع محوری در محله دولاب می‌باشد.

بطور کلی نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که " محله دولاب یک محله اجتماع محور است ولی به دلیل فقدان میزان اعتماد در بین ساکنین نسبت به نهادهای دولتی و محلی، قادر به استفاده از مزایای اجتماع محوری خود نمی‌باشد". این نتیجه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی شهری اجتماع محور زمانی می‌تواند به هدف غایی خود - که بالابردن میزان مشارکت ساکنین در محله و ارتقاء احساس مسئولیت ساکنین نسبت به محله خود می‌باشد - نایل شود که بتواند قبل از هر اقدام شهرسازی در محلات شهری، به ایجاد و افزایش اعتماد نهادی، بین شخصی و تعمیم یافته اقدام نماید.

در مقایسه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات جهانی می‌توان گفت که نتیجه نهایی این تحقیق در تقابل با نتایج متفکران شهری جبرین^۱ و ساندرکوک^۲ است. این متفکران بر این باور هستند که مهمترین متغیر در برنامه‌ریزی اجتماع محور توجه به متغیر امنیت می‌باشد. جبرین بر این باور است که "مهمترین عامل تاثیر گذار در برنامه‌ریزی اجتماع محور، برنامه‌ریزی برای خطر در محلات می‌باشد" (Jabareen, 2006: 93). همچنین ساندرکوک بر این باور است که برنامه‌ریزی اجتماع محور، تلاشی است برای مدیریت ترس در محلات شهری (Sandercock, 2002:23). همچنین یافته‌های این تحقیق در راستای یافته‌های تحقیق اندیشمندان شهری همانند: دسی^۳، سبول^۴، نئومی کارمون^۵ قرار دارد. دسی در نتیجه‌گیری خود از بررسی ارتباط بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و تشکیل اجتماعات محلی بر این نکته تأکید دارد که وجود اعتماد در اجتماعات محلی به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه‌های اجتماعی و ستون فقرات اجتماعات محلی بوده و منجر به کارایی بیشتر اجتماعات محلی می‌شود (Dhesi, 2000: 214). سبول در تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ در کشور ایرلند شمالی با عنوان "بررسی توسعه گره‌های اجتماعات قابل اعتماد: تاثیر فرم و ریشه گروه‌های اجتماعات محلی در حمایت‌های مردمی" انجام داده است؛ بر این نکته تأکید دارد که وجود اعتماد در اجتماعات محلی منجر به ریشه‌ای تر شدن گروه‌های محلی در اجتماعات محلی شده و از طرفی منجر به افزایش کارایی اجتماعات محلی می‌شود (Cebulla, 2000:119).

همچنین در تحقیقی که توسط نیومی کارمون در سال ۲۰۱۰ در شهر گازا^۶ با محوریت بررسی و تدوین جایگاه اعتماد در اجتماعات محلی انجام شده است، بر این

1. Jabareen

2. Sandercock

3. Dhesi

4. Cebulla

5. Naomi Carmon

6. Gaza

نکته تأکید دارد که علت اصلی اجتماع محوری محلات واقع در شهر گازا، وجود بیش از حد اعتماد در بین ساکنین این محلات است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود که برای رسیدن به برنامه‌ریزی اجتماع محور در شهرها، بخصوص در شهرهای ایران، برنامه‌ریزی شهری بایستی:

۱- در برنامه‌ریزی شهری محله- منبأ توصیه می‌شود که قبل از شروع برنامه‌ریزی در محلات، در مرحله شناخت (بخش اجتماعی)، میزان اعتماد ساکنین محلات شهری نسبت به نهادهای عمومی و محلی شهری از جمله شهرداری، شوراییاری و غیره سنجیده شود. شاخص‌های بیان شده در این تحقیق می‌تواند راهنمای خوبی برای برنامه‌ریزان در این زمینه باشد؛

۲- در صورت مشاهده اعتماد در بین ساکنین محلات، برنامه‌ریزان بایستی کاملاً محتاط بوده و این اعتماد را با دادن طرح‌های آمرانه و از بالا به پایین (منظور عدم دخالت ساکنین در مراحل برنامه‌ریزی) از بین نبرند. این وظیفه خطیر در کشور ما بیشتر بر دوش مشاورین شهرساز و معمار می‌باشد که متأسفانه این مشاورین به وظایف خود در این زمینه خوب عمل نمی‌کنند؛

۳- در محله‌هایی که اعتماد بین ساکنین آنها وجود ندارد، قبل از هر اقدام شهرسازی در محلات، باید زمینه‌های لازم برای افزایش میزان اعتماد ساکنین به نهادهای عمومی و محلی فعال در زمینه شهرسازی، فراهم شود. این زمینه سازی می‌تواند جنبه اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی و غیره داشته باشد.

این تحقیق در آخر توصیه می‌کند که نظام شهرسازی (بویژه در کشور ایران) به جای حرکت به سمت رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع محور در محلات شهری، می‌بایست به سمت رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع محور با محوریت اعتماد سازی در آنها حرکت کند.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ حسنی راد، کریم. (۱۳۸۸)، نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم شماره اول.
- امین ناصری، آراز. (۱۳۸۶)، برنامه ریزی محله‌ای (مبانی، تعاریف، مفاهیم و روش‌ها)، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره نوزدهم و بیستم.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۴)، مروری بر اهمیت بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات محلی فقیر، نمایه: مجموعه مقالات تخصصی مدیریت اجتماعی و فرهنگی شهری، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- داداش پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام. (۱۳۸۹)، رابطه امنیت تصرف زمین و کیفیت مسکن در سکونتگاه غیررسمی اسلام آباد تهران، دو فصلنامه علمی - پژوهشی هویت شهر، شماره ۷.
- رفیع پور، سعید؛ داداش پور، هاشم؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۸۹)، بررسی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در چارچوب برنامه‌ریزی محله مبنا، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، سال دوم، شماره ۳ تابستان.
- سازمان آمار ایران. (۱۳۸۵)، آمار جمعیتی محلات منطقه ۱۴ شهر تهران، مربوط به بلوک‌های آماری محله دولاب.
- سند راهبردی محلات شهر تهران. (۱۳۸۹)، شهرداری منطقه ۱۴ شهر تهران.
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰)، به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماع محلی، ترجمه: نوین تولایی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.

- مومنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۸۶). **تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS**. تهران: انتشارات کتاب نو.

- مهندسین مشاور معمار و شهرساز کهن دژ. (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی بلوک‌های فرسوده منطقه ۱۴ شهرداری تهران**.

- Alter, C., & Jerald, H. (1993). **Organizations working together**. London: Sage.
- Barber, B. (1983). **The logic and limits of trust**. Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Barton, H. (2003), **Shaping Neighborhoods, London and New York**, Spon Press.
- Carmon, N. (1976). Social planning of housing. **Journal of Social Policy**, 5(1).
- Carmon, N. (2001). **Neighborhood**. In N. J. Smelser, & P. B. Baltes (Eds.), *International encyclopedia for the social and behavioral sciences*, Vol. 5 (pp. 10490e10496). Oxford: Elsevier Science.
- Giddens, A. (1988), **Social theory today**, Stanford University, London.
- Cebulla, A. (2000). **Trusting community developers**: the influence of the form and origin of community groups on residents' support in Northern Ireland.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. **American Journal of Sociology**, 94, 95e120, Issue Supplement: Organizations and Institutions: Sociological and Economic Approaches to the Analysis of Social Structure. *Community Development Journal*, 35(2).

- Cook, J., & Wall, T. (1980). New work measures of trust, organizational commitment, and personal need non-fulfillment. **Journal of Occupational Psychology**, 53.
- Dhesi, A. S. (2000). Social capital and community development. **Community Development Journal**, 35(3).
- Dunn, J. (1984). **The concept of trust in the politics of John Locke**. In R. Rorty, J. B. Schneewind, & Q. Skinner (Eds.), *Philosophy in history: Essays on the historiography of philosophy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fukuyama, F. (1995). **Trust: The social virtues and the creation of prosperity**. New York: Free Press.
- Ganapati, S. (2008). Critical appraisal of three ideas for community development in the United States. **Journal of Planning Literature**, 27.
- Gans, H. J. (1968). **People and plans: Essays on urban problems and solutions**. New York: Basic Books.
- Harvey, D. (2000). **Spaces of hope**. Berkeley: University of California Press.
- Jabareen. Y. , Carmon. N. (2010). **Community of trust: A socio-cultural approach for community planning and the case of Gaza**, Habitat international.
- Kumar, A., & Paddison, R. (2000). **Trust and collaborative planning theory: the case of the Scottish planning system**. *International Planning Studies*, 5(2).
- Patricios, N. (2002). The neighborhood concept: a retrospective of physical design and social interaction. **Journal of Architectural and Planning Research**, 19(1).

-
- Archive of SID
- Perloff, H. S. (Ed.). (1961). **Planning and the urban community**. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press/Carnegie Institute of Technology.
 - Putnam, R. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. **Journal of Democracy**, 6(1).
 - Ross, C., Mirowsky, J., & Pribesh, S. (2001). **Powerlessness and the amplification of threat: neighborhood disadvantage, disorder, and mistrust**. *American Sociological Review*, 66(4).
 - Sampson, R., & Groves, B. (1989). **Community structure and crime: testing**
 - Sandercock, L. (2002). **Difference fear and habitus: a political economy of urban fears**. In J. Hillier, & E. Rooksby (Eds.), *Habitus: A sense of place*. Aldershot: Ashgate.
 - Schindler, P. L., & Thomas, C. C. (1993). **The structure of interpersonal trust in the workplace**. *Psychological Reports*, 73.
 - Schmidt, W., & Posner, B. (1982). **Managerial values and expectations: The silent power in personal and organizational life**. New York: American Management Association.
 - Talen, E. (2000). The problem with community in planning. **Journal of Planning Literature**, 15(2), 171e183.
 - Wellman, B. (Ed.). (1999). **Networks in the global village: Life in contemporary communities**. Boulder: West view Press.